

در چنگال اهریمن خشونت

ماهرخ غلامحسین پور

این بار زخم تازه بر پیکره رنجور و تبار جامعه، با اسم پسر بچه دو سال و نیمه‌ای که اهورا نام دارد، به ثبت می‌رسد. پیکره جمعی جامعه این روزها از شدت ضربه‌های خشونت، به ناباوری و کرختی رسیده است. مردم دیگر از شنیدن شیوه‌های شنیع خشونت، شوکه نمی‌شوند، آن‌ها همه جورش را شنیده‌اند، بنیتا، آتنا، اهورا، ابوالفضل، ستایش، ملیکا و قطار اسامی قربانیانی که سر باز ایستادن ندارد. از تجاوز به زنی که همان دم از ویرانی یک تجاوز دیگر به ما پناه آورده، تا مادری که سر کودک دو ساله‌اش را بریده و رگ هر دو دستش را بیشتر زده، تا سلفی گرفتن با جسد شعله‌ور نزدیک‌ترین دوست. ...

این بار استان گیلان در جریان آزار جنسی و قتل اهورا ملتهب است. اتفاق هولناکی که در یکی از محله‌های رشت رخ داده است.

شیوه دستگیری مجرم با دو روایت متفاوت مطرح می‌شود، [برخی رسانه‌ها](#) نوشتند روز دوشنبه قبل، مردمی که صدای فریادها و گریه‌های دردناک یک کودک آن‌ها را متوجه شرایطی غیر عادی کرده بود، به محل زندگی کودک مراجعه می‌کنند اما با در بسته مواجه شده و با پلیس محلی تماس می‌گیرند. پلیس از مسیر حیاط خودش را به داخل ساختمان رسانده و با صحنه دردناکی مواجه می‌شود: ناپدیری کودک روبروی تلویزیون در حال دیدن یک برنامه عادی است و اهورای عریان، غرق در خون روی زمین افتاده و در حال جان دادن است. کودک را به بیمارستان پورسینا منتقل می‌کنند اما متأسفانه او به علت ضربه‌های وارده جان می‌دهد.

اما دادستان مرکز استان گیلان، حجت‌الاسلام علی مصطفوی در گفتگو با [خبرگزاری تسنیم](#) می‌گوید کودک نیمه‌جان را به بیمارستان رسانده‌اند و کادر پزشکی و انتظامات بیمارستان پورسینا وقوع این جرم را اعلام کرده است.

پزشک قانونی رشت علت مرگ کودک را ضربه مغزی، تجاوز وحشیانه و ضربه‌های متعددی می‌داند که بر بدن و صورت اهورا وارد شده است. سه دنده اهورا در این کش و واکش شکسته، ریه‌هایش به دلایل نامعلوم به شدت آسیب دیده و سرش بارها به دیوار اصابت کرده است.

دکتر رضا جعفری معاون امور اجتماعی بهزیستی استان گیلان در گفتگو با [ایسنا](#) مساله تجاوز به اهورا را تایید کرده است.

بخش دردناک ماجرا اینجاست که مجتبی قربان‌زاده، مرد بیست و هفت ساله‌ای که مرتکب این خشونت دردناک شده، پدر یک کودک هم‌سن اهوراست و در شرایط عادی دست به این جنایت زده است. او از کارکنان یک داروخانه در رشت بوده و زمان وقوع جرم نه تحت‌تاثیر مواد مخدر بوده و نه سابقه بیماری روانی در پرونده‌اش وجود دارد.

مجتبی قربان‌زاده، آن‌طور که خودش به نشریات محلی گیلان گفته، با مادر اهورا در اینستاگرام آشنا می‌شود و با مماشات و سکوت مادر اهورا، به بهانه تنبیه با سیگار بدن کودک را سوزانده و در نهایت، زمانی که همسرش بیرون از منزل به سر می‌برد، در حالتی که کودک خواب و بیدار بوده به او تجاوز کرده است. هنوز به درستی روشن نیست که آیا این تجاوز یک بار صورت گرفته یا خیر؟ پزشک قانونی هنوز هم در مورد تعداد دفعات تجاوز به اهورا اظهار نظر نکرده است.

پرونده این فرد به شعبه شش بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب رشت ارجاع شده و هم‌اکنون در دست رسیدگی است.

او در آخرین گفتگویش با [خبرگزاری ایسنا](#)، در مورد قتل اهورا مدعی شد که قصد کشتن او را نداشته است: «فقط می‌خواستم اهورا از من بترسد لذا او را با سیگار می‌سوزاندم و اکنون پشیمانم زیرا خودم یک دختر 2.5 ساله دارم.»

سوال اینجاست که چه عاملی باعث افزایش روزافزون خشونت خانگی به شیوه‌های دردناک و غیر قابل تصور است؟

به گفته حسن رحیم‌زاده، جامعه‌شناس، نمایش عریان خشونت، منجر به بازتولید و زایش آن می‌شود.

او در گفتگو با خانه امن به اخبار و تصاویری اشاره می‌کند که خشونت‌های عریان را به نمایش می‌گذارند: «این روزها شاهد نمایش گسترده خشونت در فضای مجازی هستیم. فیلم سربردن‌های داعش، زنده زنده سوزاندن افراد در قفس با انواع و اقسام متنوع، ویدئوهای حیوان‌آزاری و اجرای احکامی همچون اعدام در مناظر و معابر عمومی با حضور کودکان، یا سلفی گرفتن با مردگان و کشته‌شدگان، همه اینها از یک سو خشونت را در عادی نشان می‌دهد و از سوی دیگر برای کسانی که زمینه کج‌روی و بیماری دارند به نوعی خوراک‌رسان و تهییج‌کننده است.»

او همچنین فقر، بی‌کاری، اعتیاد، ناکامی‌های فردی و کاهش تحمل اجتماعی، مهاجرت بی‌رویه به شهرها، فروپاشی خانواده و ناکافی بودن استانداردهای سلامت را از عوامل دیگر تشدید خشونت در سطح خانواده و جامعه می‌داند.

«یک جوان در مهاباد توسط دوستانش کشته شده، شما یک عده را می‌بیند که با هیجان در حال انتشار این آگهی در فضای عمومی هستند: بشتابید! آخرین فیلم صادق برمکی در حال سوزانده شدن! طبیعی است که قبح دیدن چنین تصاویر نابهنجاری به تدریج با تکرار شدن از بین رفته و بستر مناسب را برای عادی‌سازی پرخاش‌گری و خشونت در لایه‌های زیرین جامعه فراهم می‌کند.»

در جریان پرونده اهورا، اظهارات متناقضی در مورد نقش مادر این کودک در بروز این اتفاق منتشر شده است. برخی رسانه‌های محلی نوشته‌اند که مادر اهورا منکر تجاوز به فرزندش شده و گفته از قاتل فرزندش شکایت نمی‌کند و همچنین قاتل این جنایت هولناک در جریان بازجویی مطرح کرده که نخستین بار دست اهورا را برای تنبیه در حضور مادرش با سیگار سوزانده است. اما دادستان گیلان یکی از شاکیان پرونده را مادر اهورا عنوان کرده و مادر کودک در گفتگو با **آفتاب نیوز** خواستار قصاص قاتل فرزندش شده است.

نیما ستارزاده، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، برای کاهش خشونت‌هایی از این دست در خانواده، به مادران توصیه می‌کند نسبت به هر گونه تنبیه کودکشان، هر چقدر که ناچیز باشد، واکنش نشان دهند.

«در این میان نقش مادر تعیین‌کننده است. در مقابل هر فرد تازه‌وارد یا حتی هر کدام از اعضای دورتر خانواده نسبت به امنیت فرزندتان به شدت حساس باشید و واکنش نشان بدهید. ممکن است فرد متجاوز بر اساس واکنش‌های فعالانه شما خطوط قرمز را تعیین کند. در ماجرای اهورا حق نداریم بدون وجود دلیل و مدرک، مادر او را مقصر قلمداد کنیم. اما به خوبی می‌توانیم از این ماجرا بیاموزیم که نسبت به سلامت جسمی و روانی کودکمان حساس‌تر باشیم.»

او توصیه می‌کند کودکان را با مردانی که تازه با آنها آشنا شده‌اید، در خانه تنها رها نکنید: «در دنیایی که نمونه‌های فراوانی از تجاوز پدران واقعی به کودکان گزارش می‌شود، تنها رها کردن یک کودک با مردی که فقط دو یا سه ماه از آشنایی با او می‌گذرد، کاری عاقلانه و منطقی نیست. بهتر است به تغییر رفتارهای کودک دقت کنیم. تمام جزئیات و جوانب را در نظر بگیریم و با کوچک‌ترین مساله مشکوکی نسبت به کشف واقعیت ماجرا تلاش کنیم.»

او توصیه می‌کند با دیدن هر گونه مصرف مواد مخدر یا وابستگی به الکل، نسبت به تعادل رفتاری طرف مقابلتان مردد باشید: «افراد خشونت‌گر شناسه‌های خاصی دارند و بیشتر از الگوهای رفتاری مشخصی پیروی می‌کنند. با دیدن فردی که متزلزل است یا تعادلی در رفتارش ندارد، به سرعت عصبانی می‌شود یا به جای تحمل و مدارا میل به پرخاش‌گری یا تنبیه کودک دارد، فردی که احساساتش با دیدن تصاویر خشن جریحه‌دار نمی‌شود یا به سرعت فریاد می‌زند و متوسل به خشونت کلامی می‌شود، فردی که کم‌تحمل است و در مقابل بهانه‌جویی‌های کودکانه با بی‌حوصلگی به رفتارهای حذفی و خشونت‌گرانه متوسل می‌شود، حساس باشید. به هیچ وجه کودکان را برای ساعت‌های متمادی و طولانی با این گروه از افراد تنها رها نکنید.»

خواب اهورا بدون لالایی و قصه

این حادثه تلخ ۲۲ مهرماه در لاکانی رشت درحالی‌لو رفت که همسایه‌ها صدای فریاد و جیغ کودک معصوم را شنیده و به خانه کودک مراجعه کردند و حتی سعی کردند تا در خانه را باز کنند که موفق به این کار نشدند. در ادامه همسایه‌ها با پلیس ۱۱ تماس گرفتند و پس از رسیدن پلیس و شکستن در با بدن خون‌آلود و عریان اهورای ۲ ساله که روی زمین افتاده و ناپدری شیطان صفت که روی میبل نشسته بود مواجه شدند. مردم بلافاصله اهورا آزار دیده را به بیمارستان پورسینا رشت منتقل کردند. مردی که درخانه بوده ابتدا گفت که من پدر او هستم و اهورا در حمام افتاده است و من شوکه شده‌ام، اما این گفته‌ها توسط همسایه‌ها نزد پلیس تکذیب شد و در ادامه مشخص شد او دوست پسر مادر اهورا است. بنابه این گزارش، قاتل اهورا عصر ۳۲ مهر ماه سال جاری در اداره آگاهی رشت به آزار و اذیت و قتل اهورا اعتراف کرد و در ادامه اظهاراتش گفت: زمانی که اهورا را مورد تجاوز قرار دادم از درد و خونریزی زیاد گریه کرد و مدام فریاد می‌زد و من هرچه تلاش کردم او را ساکت کنم نتوانستم، که در آخر سر کودک ۲ ساله را چند مرتبه به دیوار کوبیدم. پزشکان بیمارستان پس از بررسی و معاینه کودک اعلام کردند که درصد هوشیاری اهورا به ۳ رسیده است و بعد از گذشت چند ساعت تلاش پزشکان سرانجام صبح دیروز بر اثر شدت جراحات وارده این کودک بی‌گناه جان سپرد. شش ماه پیش مادر اهورا پس جدا شدن همسرش، با این مرد شیطان صفت ارتباط برقرار کرده است و هم اکنون مادر اهورا به عنوان

شريك جرم در بازداشت آگاهی رشت به سر می برد.
این حادثه در لاکانی رشت گیلان اتفاق افتاده است.
بررسی های پزشکی قانونی آزار جنسی را تایید کرده و همچنین به علت آزار و اذیت هایی که از سوی ناپدری روی بدن کودک ایجاد شده، صورت کودک کبود و دنده های این پسر بچه شکسته شده است.

منبع: پایگاه خبری و اطلاع رسانی رکتا

سهم ما در وقوع فجایعی مثل فوت بنیتا چیست؟

شیوا دولت آبادی رییس انجمن روانشناسی ایران

تعریف رسمی کودک آزاری هم انواع آزارهای فیزیکی و روانشناختی (به صورت توهین، تحقیر و طردشدگی) و جنسی را و هم نوعی از آزار به عنوان « غفلت از کودک » را شامل می شود. غفلت از کودک به این معناست که والدین برای مراقبت کافی و رشد مناسب و بالندگی کودکشان صلاحیت نداشته باشند. در مورد کودک هشت ماهه ای که روز گذشته خبر فوتش منتشر شد و باز هم به عنوان یک تجربه ملی غم انگیز آن را تجربه کردیم، طبق اطلاعاتی که ما از تصاویر منتشر شده از این کودک و همین طور از رشد جسمی که در هشت ماهگی در او می بینیم، نمی توانیم از غفلت در خانواده صحبت کنیم، به دلیل اینکه آن دسته از کودکانی که مورد غفلت واقع می شوند معمولاً کمبودهایی در رشد و ظاهر و نظافت شان دیده می شود. بنابراین مورد بنیتا را نمی توانیم در قالب غفلت از کودک قرار دهیم اما با وجود این می بینیم که یک لحظه غفلت یک فاجعه ای برای این خانواده و شاید بشود گفت برای همه ما به عنوان کسانی که این داستان غم انگیز را دنبال می کنیم به وجود آورده است. اینکه ما چقدر آگاه هستیم به اینکه چه خطراتی می تواند متوجه فرزندان کوچک ما و خود ما و خانواده ما و به طور جدی تر جامعه ما باشد ناشی از رفتارهای ما در قالب یک مسوولیت اجتماعی و انسانی است. در این روزهای اخیر شاهد فاجعه ای مثل فاجعه آتنا هم بودیم. نکته ای که ما از این داستان های غم انگیز می آموزیم این است که به اندازه کافی مراقب مسوولیت ها و وظایفی که بر عهده ما است، باشیم. احتیاط هایی که شاید آگاهانه به ابعاد آنها توجه نمی شود اما در عمل می توانند اتفاقات بزرگی در زندگی ما ایجاد کنند، یک مسوولیت انسانی و شهروندی است.

اگر دیدگاه مان را وسیع تر کنیم و از منظر دیگری به فاجعه ای نگاه کنیم که طرف های درگیر در آن از سویی والدین داغدار هستند و از سویی دیگر مجرمینی که باید در موردشان بدانیم، این قبیل اتفاقات به خصوص سنگدلی مجرم در رها کردن یک کودک در بیابان در یک ماشین و در جایی دور افتاده، قابل تامل است. رها کردن کودکی که به هیچ وجه نمی تواند از خود دفاع کند، این می تواند سوال دیگر ما از خودمان و از جامعه مان باشد، آدم ها چطور می توانند به جایی برسند که بتوانند چنین سنگدلی را در حق یک کودک کاملاً بیگناه روا بدارند؟ اگر ما اطلاعات دقیق تری از روانشناسی این مجرمین داشته باشیم، می توانیم بگوییم که یک اختلال شخصیتی جدی می تواند به یک چنین فاجعه ای منجر شود. انسانی که حتی یک لحظه نتوانسته خود را با سرنوشت تحمیل شده به یک کودک و خانواده اش همراه کند و در نتیجه تلاشی برای زنده ماندن کودک به هر شکلی نکرده است. آدم هایی که تا این حد آسیب های روانی از خودشان نشان می دهند، لازم است قبل از اینکه مجرم شناخته شوند به عنوان بیمار مورد مطالعه قرار بگیرند. بسیاری از این افراد کسانی هستند که خودشان تاریخچه های تلخی از آزار دیدگی دارند. نمی دانیم پشت این رفتار که حتی تلاش نکرده اند ماشین را جایی رها کنند که صدای کودک بتواند به گوش رهگذری برسد، چه گذشته ای قرار دارد. باید تحقیق کنیم که از کجا می تواند چنین شکلی از قربانی گرفتن از انسان های بیگناه رخ دهد. این مجرمین باید تحلیل روانشناختی شوند.

بعد از چنین اتفاقاتی است که این سوال پیش می آید که هر کدام از ما مسوولیت مان در قبال جامعه مان چیست؟ کجا می توانیم به موقع حضور داشته باشیم که بتوانیم پیشگیری کنیم از رشد چنین انسان هایی که مرتکب چنین فجایعی می شوند. باید بپرسیم این افراد کجا رشد می کنند؟ کجا اینقدر آسیب روانی می بینند که می توانند جرایمی در این سطح را مرتکب شوند؟ سهم ما در وقوع فجایعی مثل فوت بنیتا چیست؟

منبع: روزنامه اعتماد